

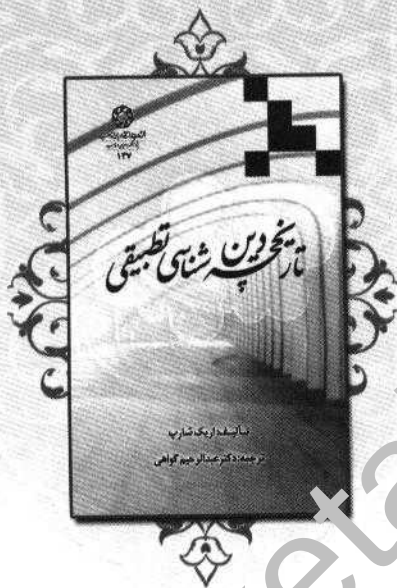
تاریخچه دین شناسی تطبیقی

نویسنده: دینا بی بی

ترجمه: عبدالرحیم گواهی



اشارات
دانشگاه ادیان و مذاهب



Sharaf, Ali Khan

شارف، اریک جی / ۱۹۷۵-

تاریخچه دین شناسی تطبیقی / نویسنده اریک جی شارف، مترجم عبدالحسین گواهی. - قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۴.

۶۷۲ ص. - انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب؛ (۱۴۷).

ISBN: 978-600-6730-29-5

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

COMPARATIVE RELIGION: A History

عنوان اصلی:

الف. مترجم: گواهی، عبدالحسین، ۱۳۲۳-. ب. انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب. ج. عنوان.

۲۸۷۳۰۱۹

کتابخانه ملی ایران



انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب

۱۴۷

تاریخچه دین شناسی قدیم

- تألیف: اریک جی شارپ
- ترجمه: عبدالرحیم گواهی
- ناشر: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب
- نوبت چاپ: اول، تابستان ۱۳۹۴
- چاپ: زلال کوثر
- شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
- قیمت: ۲۹۰۰۰ تومان
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۳۰-۲۹-۵
- حق چاپ و نشر محفوظ است.

• مراکز پخش:

قم، پردیسان، رویه روی مسجد امام صادق (ع)، دانشگاه ادیان و مذاهب.
تلفن: ۰۲۵-۳۲۸۰۲۶۱-۱۳، نمابر: ۰۲۵-۳۲۸۰۳۱۷۱
تهران، خ انقلاب، بین خ ابوریحان و فلسطین، بن بست مهارت، پلاک ۱
طبقه زیرین، پکتا (پخش کتب اسلامی و انسانی) تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۷۳۲۰۳

فهرست مطالب

.....	سپاسگزاران و مؤلف	۵
.....	مقدمه	۹
.....	فصل اول: سوابق دین و سبک زندگی	۲۱
.....	فصل دوم: کسی که فقط یک سبک را می‌داند، هیچ نمی‌داند	۸۳
.....	فصل سوم: داروین‌یسم کار را چگونه می‌سازد	۱۲۹
.....	فصل چهارم: توت‌م‌گرایی و جادوگری	۱۸۵
.....	فصل پنجم: برخی تنوعات تجربه دینی	۲۳۹
.....	فصل ششم: تلاش برای رسیدن به مقام دانشگاهی	۲۸۷
.....	فصل هفتم: دین، تطبیقی و مطلق	۳۴۳
.....	فصل هشتم: فرهنگ و تاریخ	۴۰۷
.....	فصل نهم: دین و ناخودآگاه	۴۵۹
.....	فصل دهم: پدیدارشناسی دین	۵۱۳
.....	فصل یازدهم: به سمت یک گفتگوی ادیان	۵۸۱
.....	فصل دوازدهم: بیست سال مباحثه بین‌المللی (۱۹۵۰ - ۱۹۷۰)	۶۱۷

مقدمه

«امروزه دستیابی به علم دین یا دین‌شناسی^۱ مبتنی بر مقایسه بی‌طرفانه و حقیقتاً علمی همه پدیده‌ها و پدیده‌های مهمترین ادیان بشری نیازمند زمان است. این مطالعه چنین است از سوی کسانی که صدای آنان را نمی‌توان نشنیده گرفت. امروزه این عنوان، هرچند هنوز بیشتر متضمن یک وعده است تا یک امر محقق شده، در کشورهای چون آلمان، فرانسه و آمریکا کم‌وبیش شناخته شده است؛ مسائل عظیم آن توجه خیلی از پژوهشگران را به خود جلب کرده و نتایج و دستاوردهای آن، یا با ترس و یا با شور و شوق، مورد انتظار افراد بوده است. به این ترتیب، این تکلیف کسانی است که زندگی خود را وقف مطالعه ادیان اصی چون دین اسناد و مکتوبات اولیه و اصلی آنها کرده‌اند؛ کسانی که برای دین - به هر روشی که خود را عرضه کند - ارزش و احترام قائل هستند تا این حوزه جدید از معرفت بشری را به مثابه علمی حقیقی به تسخیر درآورند».^۲

1. Science of Religion.

۲. ماکس مولر، درآمدی بر علم دین، ۱۸۷۳، ۳۴ به بعد.

این سخنانی بود که در فوریه ۱۸۷۰ میلادی [متجاوز از ۱۴۰ سال قبل] به‌وسیله فردریش ماکس مولر^۱ لغت‌شناس و دانشمند برجسته تبعیدی آلمان، در انیستیتوی سلطنتی لندن عنوان شد و بعدها نیز در کتابی که به‌طور منطقی می‌توان آن را به‌عنوان سند بنیادی دین‌شناسی تطبیقی در زبان انگلیسی به‌حساب آورد، یعنی کتاب «درآمدی بر علوم ادیان»^۲ ماکس مولر (۱۸۷۱)، چاپ شد. درست است که آنها به‌معنای واقعی کلمه نشانه تصمیم به تبعه‌جایی نیستند. از دیرباز کسانی در مغرب‌زمین دین در تنوع گونه‌ها، از جمله به‌عنوان موضوعی مطالعاتی نگریسته بودند و نه اعتقادی که باید آن‌ها تبعه‌جایی کرد. اما به دلایلی که در جای خود به آن می‌پردازیم، دهه‌های آخر قرن نوزدهم میلادی شاهد اولین تلاش برای ساماندهی مواد و مطالبی بود که از این مطالعه جدید سربر می‌آورد، و نیز شاهد قرار دادن آن‌ها تحت یک سیوه و روش معین و سپس تبدیل آن‌ها به یک «علم» بود. در سال ۱۸۷۹ آنچه «تشریح مواد» «این حوزه جدید» [از معرفت بشری] می‌خواند، به‌تدریج شکل رسمی‌تری به خود گرفت و خط و خطوط و حدود و ثغور آن صورت مشخصی یافت. بعضی از افراد پیرو ماکس مولر و اساتید اروپایی او، در این رابطه از «دین‌شناسی»

۱. Friedrich Max Müller (۱۸۲۳-۱۹۰۰) زبان‌شناس و خاورشناس آلمانی و یکی از پایه‌ریزان هندشناسی و پژوهش‌های تطبیقی و سنجش آیین‌ها در دانشگاه‌های غربی و در این زمینه اثرهای پژوهشی و عمومی‌ای نیز دارد و کتاب‌های مقدس خاور زمین که در پنجاه جلد با هدایت او نوشته شده از یادبودهای پژوهشی عصر ویکتوریایی انگلستان است.

سخن به میان آوردند؛^۱ درحالی که دیگران ترجیح دادند که روی جنبه لازم و ضروری «مقایسه»^۲ تأکید ورزند و در نتیجه این مطالعه جدید را با عنوان «مطالعه تطبیقی دین»^۳ و یا به طور اختصار «دین‌شناسی تطبیقی»^۴ بخوانند.

به تدریج در فاصله سال‌های ۱۸۷۰ تا پایان قرن نوزدهم این مطلب که کاملاً جدای از اعتقادات شخصی خود افراد، فهم و درک درست دین لاجرم شامل مقایسه و تطبیق بود بیشتر پذیرفته شد. این مقایسه و مطالعه تطبیقی شامل سنت‌های مختلف دینی جهان، سنت‌های متعلق به بخش‌های مختلف جهان و دوران‌های مختلف تاریخ بشری است. برای دستیابی به چنین هدف و غایتی سنت‌های دینی مختلف جهان، در گذشته و حال، مورد جستجو و کاوش قرار گرفتند. این جستجو برای پیدا کردن هرگونه دلیل و مدرک هرچند کوچک و کم‌اهم بود که می‌توانست درباره سرمنشاء و مسیر تحول تکامل آن سنت دینی، در مقام یک فعالیت عام انسانی، چیزی را روشن یا روش‌تر کند.

سی و پنج سال بعد از آن تاریخ، یعنی دو سال ۹۰۵ میلادی، زمان آن فرارسیده بود که اولین تاریخچه این موضوع نوشته شود. پس سویی اچ. جوردن^۵ نخستگی ناپذیر مناسب دید تا دین‌شناسی تطبیقی را این گونه

۱. این اصطلاح در زبان فرانسه la Science de la religion و به زبان آلمانی religionswissenschaft است.

2. Comparison.

3. Comparative study of religion.

4. Comparative religion.

5. Louis H. Jordan.

تعریف کند:

«... علمی که به مقایسه و تطبیق سرمنشاء، ساختار و ویژگی‌های ادیان مختلف جهان می‌پردازد، با این نگاه که نکات مورد توافق و اختلاف آنها را معین کند، رابطه آنها را با یکدیگر بسنجد و برتری و فروتری آنها را به‌عنوان انواع پدیده‌های دینی بیان کند».^۱

امروزه، تاحدودی با حسرت، به عصر و زمانه‌ای که چنین تعریف اطمینان بخشی را به‌دست داده نگاه می‌کنیم. امروزه چنین به‌نظر می‌رسد که به‌طور کلی چنین «علمی» وجود ندارد. نه به این دلیل که ما به‌طور کلی از «بررسی سرمنشاء ساختار و ویژگی‌های ادیان گوناگون جهان» دست کشیده‌ایم، بلکه به این دلیل که این کار را با احتیاط فراوان انجام می‌دهیم و با هنجارهای به‌دست آمده از نظریه تکامل داروینی - اسپنرسی^۲ و تقریباً به‌طور کامل از تبیین «برتری یا فروتری» نسبی ادیان جهان» دست برداشته‌ایم. به عبارت دیگر، هرگونه تصویری که دین‌شناسی تطبیقی ابتدا از خود به جهان نشان داده بود از آن زمان تاکنون دست‌وش تحولی عظیم شده است. اگرچه فاصله سی و پنج ساله بین ساختاری «ماکس مولر» و تاریخچه جویدن تحت سلطه شیوه مقایسه‌ای (یعنی تکامبی) مطالعات دین قرار داشت، امروزه حدود هفتاد سال فاصله‌ای که بین ما و آن زمان قرار

۱. جویدن، دین‌شناسی تطبیقی: پیدایش و رشد، ۱۹۰۵، ص ۶۳. اما جالب است که بدانیم او حتی در آن زمان نیز به توافق اندکی درباره روش کار دست یافته بود، به‌نحوی که نوشت: «هر محقق برای خود قانونی دارد» (همان، ۲۰۸).

دارد، به تدریج شاهد حذف عملی این برتری و فروتری سنجی بوده است. هنوز هیچ روش جدیدی که همه دین‌پژوهان عالم بتوانند آن را بپذیرند به جای آن ظهور نکرده است. از این قضیه، به هیچ وجه دین‌شناسی تطبیقی مستثنی نمی‌شود.

تنها برای آکادمیک (علمی - دانشگاهی) محترم‌تر از علوم ترکیبی نیست. برای نمونه، زمانی آنترپولوژی یا انسان (مردم)‌شناسی به طور قطع به یقین به مثابه «علم موجودیت انسان یا بشر»^۳ به صورت خالص و ساده انشائی می‌شد، در حالی که امروزه با عناوین متنوعی نظیر باستان‌شناسی ماقبل تاریخ، از آن (مردم)‌شناسی فیزیکی، قوم‌شناسی، مردم‌شناسی اجتماعی، ادبیات عامیانه (فولکلور)، زبان‌شناسی و غیره مطالعه می‌شود. به همین ترتیب، امروزه نجم انبوه مواد و مطالبی که با عنوان کلی «دین‌شناسی تطبیقی» جمع‌آوری شده، گرایش‌های گوناگونی چون تاریخ دین، روان‌شناسی دین، جامعه‌شناسی دین، پدیدارشناسی دین و بالاخره فلسفه دین (اگر نخواهیم از یک عده گرایش‌های فرعی نام ببریم) تقسیم شده است که پیگیری هر کدام از آنها برای یک استاد معمولی ممکن است یک عمر وقت ببرد. هم‌چنین امروزه هر کدام از این رشته‌ها، رویکردها و شیوه‌های مناسب و مخصوص به خود را دارند.

۱. تاریخ تألیف و چاپ کتاب حاضر در حدود سال ۱۹۷۵ میلادی، یعنی نزدیک به ۳۵ سال پیش است (مترجم).

2. Synthetic Sciences.

3. The Science of man.

اگرچه همواره لازم است در عمل برخی از اصطلاحات و تعابیر استفاده شوند، اصطلاحاتی که از یک سو بیانگر رویکرد میان رشته‌ای و غیراعتقادی نسبت به مطالعه دین هستند و از سوی دیگر چنین مطالعه‌ای را از پژوهش‌های کلامی و دیگری که در چارچوب مطالعه یک سنت دینی خاص مناسب هستند جدا می‌سازد. به دلایل گوناگونی که در آینده به آن می‌پردازیم، در بعضی از کشورها تعدادی از محققین و صاحب‌نظران به اصطلاح «دین‌شناسی تطبیقی» با دیده تردید نگریسته‌اند. آنان احساس می‌کردند که این رشته، بیش از آن با مضامین تکاملی درهم آمیخته که بتوان برای آن ارزشی اضافه نصیب کرد؛ اما پیدا کردن جایگزینی برای آن هم چندان آسان نبود. به‌طور کلی در سال‌های اخیر امکان داشت که از «تاریخ ادیان» یا شاید «Religionswissenschaft» (علم‌الادیان) بیشتر سخن به میان آید (اگرچه در کشورهای غیرآلمانی زبان این مطلب به آسانی توجیه نمی‌شود. امروزه در کشور انگلستان^۱ به تدریج اصطلاح «مطالعات دینی» بیش از پیش جا باز می‌کند). اما اکنون اساتید، مدرسان و دپارتمان‌های دین‌شناسی تطبیقی در تعداد کمی از دانشگاه‌ها وجود دارند. به‌این‌هنوز موجه به نظر می‌رسد که از این اصطلاح استفاده کرد. شاید هنوز این اصطلاح، جدای از نواقص و کمبودهای احتمالی آن، تنها اصطلاحی باشد که بیانگر مطالعه همه سنت‌های دینی جهان و از جمله سنت دینی یهودی -

۱. مؤلف از واژه بریتانیا (Britain) استفاده کرده است که بیشتر مربوط به دوران استعماری بریتانیای کبیر می‌باشد که ما ترجیح دادیم از اصطلاح رایج‌تر انگلستان استفاده کنیم (مترجم).

مسیحی است؛ مطالعه این ادیان در مقام پدیده‌هائی قابل مشاهده و بررسی هستند، نه اعتقاداتی که باید از آنها پیروی شود. شاید این تنها واژه‌ای باشد که آن قدر وسیع است که بتواند به عنوان سرفصل (عنوان اصلی) برای موارد و مطالب بسیار گسترده و پراکنده‌ای که در این کتاب بحث شده از آن استفاده کرد.^۱ همه کسانی که هنوز مخالف استفاده از این اصطلاح هستند به سادگی عرض می‌کنم که هیچ جایگزین مناسبی برای آن وجود ندارد. چنانچه پیش از این گفته‌ام، از حدود سال‌های ۱۹۵۰ میلادی (دهه ۱۳۳۰ شمسی) «تاریخ ادیان» تنها اصطلاح رایج بوده است؛ اگرچه جالب است بدانیم این اواخر اصطلاح «دین‌شناسی تطبیقی» نیز دوباره به صحنه آمده است. دپارتمان‌های دانشگاه‌های سوئدی و فنلاندی آزادانه آن را به کار می‌برند، درحالی‌که ژورنال اسکاتلندی «تِمَنوس»،^۲ که از سال‌های دهه ۱۹۶۰ میلادی (۱۳۴۰ شمسی) آغاز به کار کرده است، از عنوان فرعی «مطالعاتی در دین‌شناسی تطبیقی» استفاده می‌کند.

باتوجه به این که اصطلاح «دین‌شناسی تطبیقی» نیازمند مطالعه جدی و حتی المقدور بی‌طرفانه مواد و مطالبی است که از همه دسته‌های دینی قابل دسترسی عالم استخراج شده است، برخی محدودیت‌های حاضر نیز در هنگام نوشتن تاریخچه دین‌شناسی تطبیقی خود را بر من تحمیل کرده‌اند. کتاب حاضر به هیچ وجه مدعی نیست که تاریخ کاملی از تمام وجوه و جنبه‌های مطالعه تطبیقی دین است. هم‌چنین به این که شامل اطلاعات و

آمار تاریخی پیرامون نحوه شکل‌گیری این قبیل مطالعات در یک منطقه خاص جغرافیایی یا فرهنگی باشد نیز تظاهر نمی‌کند. به آسانی می‌توان کتابی با همین حجم و اندازه مثلاً درباره مطالعه دین هندویی در مغرب‌زمین^۱ یا مطالعه دین‌شناسی تطبیقی در یک کشور خاص (یا حتی یک دانشگاه خاص، آن‌چنان‌که پروفیسور رودولف^۲ درباره دانشگاه لایپزیک^۳ نشان داده است)^۴ نوشت. من سعی کرده‌ام به‌صورتی بسیار کلی، و گاهی بسیار جزئی، مطالبی را درباره شخصیت‌ها، درونمایه‌ها و مراحل مهم (یا آنچه به نظر من مهم می‌رسد) دین‌شناسی تطبیقی به رشته تحریر درآورم و تنها وقتی به مطالعات تخصصی دیگران ارجاع دهم که ارجاع به روشن‌تر شدن این مباحثه روش‌شناختی کمک کند یا برهان کلی‌تر ما را یکی دو گام پیش ببرد.

بهرتر است در همین ابتدای کار خاطر نشان کنم که فقط در چارچوب یک طرح زمانی از وقایع توانم به چند سال قبل، وقتی شروع به نوشتن این کتاب کردم، کاغذ زمان‌بندی‌ای را مراعات کنم؛ اما به‌سرعت دریافتم که رعایت چنین چیزی، به‌نژد درباره تحولات اخیر این موضوع بسیار مشکل است. دین‌شناسی تطبیقی همواره شامل خیلی از خط و خطوط‌ها، رویکردها و خیلی از شیوه‌ها

۱. چیزی شبیه مثلاً کار ولبون (Welbon) به نام «نیروانای بودایی و مفسرین غربی آن»، ۱۹۶۸.

2. Rudolph.

3. Leipzig.

4. Rudolph, Die Religionsgeschichte an der Leipziger Universität (1962).

است و من اولویت نخست خویش را باز کردن کلاف سردرگم این خط و خطوطها قرار داده‌ام و برخوردی جداگانه با هریک از آنها، به‌ویژه در نیمه دوم کتاب، داشته‌ام. به عبارت دیگر، خواننده کتاب باید برخی افست و خیزهای زمانی را مدنظر قرار دهد. از این مطلب متأسفم؛ اما رعایت ترتیب زمانی وقایع، تنها برای اندکی از مباحث کتاب مفید بود و بی‌ربط به پیچیدگی زیادی به‌وجود می‌آورد.

روشن است که کتاب مؤلف هرگز نمی‌تواند وانمود کند که بیش از یک آشنایی ناچیز با سیمه‌ها و نوشتجات تخصصی همه حوزه‌هایی که امروزه به‌عنوان بخشی از دین‌شناسی تطبیقی شناخته می‌شوند دارد. به‌همین دلیل در بعضی از این حوزه‌ها اعتلا و تزلزل بود که نظر کمتری بدهم. برای نمونه هم‌اکنون تاریخچه سنت علم الاجتماع یا جامعه‌شناسی (که به آسانی جامعه‌شناسی دین را نمی‌توان از آن جدا کرد) شرح وقایع و رویدادهای خویش را پیدا کرده است که من نیز با رضایت در برابر آن سرتسلیم فرودمی‌آورم.^۱ آن گاه که به روزگار خود نزدیک می‌شوم، خواننده متوجه باریک‌تر شدن تدریجی رویکرد و نگرش نسبت به بحث مسائل پیش روی مطالعه دین در یک دنیای تکثرگرا از نظر دینی می‌شود. ازسوی دیگر، فکر کردم بهتر است در بخش اولیه کتاب جامع بودن را هدف قرار دهم.

اگر احساس نمی‌کردم که انجام چنین کاری مهم است، هرگز سعی

1. Nisbet, *The Sociological Tradition* (1967). See also Wach, in RGG (1930), cols. 1929ff.

نمی‌کردم درباره این تحولات چیزی بنویسم و آزادانه وجود انبوهی از بصیرت‌های دست دوم را تصدیق می‌کردم. البته تنها شخص من مسئول هرگونه اشتباه در تفسیر حقایق است. (که هرگز مطالعه‌ای به این وسعت نمی‌تواند از وجود آنها خالی باشد)

این کتاب از دل سخنرانی‌هایی که در دانشگاه‌های منچستر^۱ و لنکستر^۲ داشتم سربرآورده است. هنگام نوشتن نیز سعی کرده‌ام تا جایی که می‌شده احتیاجات محصلان را در نظر بگیرم. بی‌تردید متخصصین - اساتید و مدرسین این حوزه - عادت خواهند کرد رشته خاص خود را از این راه یا آن شاخه اصلی یا فرعی دین‌شناسی تطبیقی ریشه‌یابی کنند. حقیقتاً این کتاب را برای آنان ننوشته‌ام، هرچند که امیدوارم برای آنها نیز سودمند باشد. با توجه به مخاطبان این کتاب سعی کرده‌ام که کمترین مباحث فنی (و ارجاعات) را در کتاب داشته باشم، اگرچه همواره در این باره موفق نبوده‌ام و مناسب ندیده‌ام تا روایت خود را به جهان انگلیسی زبان محدود سازم. البته این به آن معنا نیست که تمام نوشته‌ها به آن مهم در همه زبان‌های مهم دنیا را مدنظر قرار داده‌ام؛ انجام چنین کاری خارج از توان یک نفر است. اما از آن‌جا که هیچ‌چیز کم‌اهمیتی درباره دین‌شناسی تطبیقی وجود ندارد، به این دلیل که تاریخچه این موضوع گاهی همان تاریخچه فرهنگ مغرب‌زمین در تعامل با فرهنگ بخش‌های دیگر دنیا و کشورهای

1. Manchester.

2. Lancaster.

غربی است، کوشیده‌ام تا برخی از دیدگاه‌های تا حدودی مفصل را به نمایش بگذارم.

نخستین بار مطالعه دین‌شناسی را در دانشگاه منچستر و زیر نظر پروفیسور فقید اس. جی. اف برنندون شروع کردم؛ بنابراین چند سطر از کتابی را که او دقیقاً یک قرن پس از عبارتی که از ماکس مولر نقل کردم چهار کرد در اینجا می‌آورم. این کار را برای توجیه مطالعه و تحقیقی که او توصیف می‌کند انجام می‌دهم و نه به‌عنوان توجیه کتاب حاضر (که به هر حال باید بر حسب شایستگی‌ها و امتیازات خود این کتاب انجام گیرد و نه وام‌گرفتن از سخن این و آن).

«امروزه محال شده است که برای دستیابی به یک فهم و درک خردمندانه از بشریت مرکزی همه ما و مسائل مبتلا به آن لازم است تا حدودی چیزهایی را به اذیان آن و نیز امور سیاسی، اقتصادی و دستاوردهای علمی و فنی آن دانسته شود. زیرا جدا از این که ارزیابی یک نفر از جایگاه‌های متفاوتی دین چیست، اهمیت دین به‌عنوان پدیده‌ای از مسائل همواره پابرجاست. شیوه‌هایی که از راه آن مردم عصر حاضر گذشته در صدد حل مسأله طبیعت و سرنوشت انسان برآمده‌اند توجهی عمیق و جاودانه را طلب می‌کند.

... افزون‌بر این، مسأله‌ای که دیگران در گذشته‌ها درصدد

حل آن برآمده‌اند مسأله‌ای همیشگی است که امروزه نیز همه ما

فارغ از زمانه و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم به نحوی با
آن مواجه هستیم.^۱

اریک جی. شارپ لَنکَسْتِر

سپتامبر ۱۹۷۴

www.ketab.ir

1. Brandon, A Dictionary of Comparative Religion (1970), p. 1.